

بسم الله الرحمن الرحيم

سلسله جلسات تفسير کاربردی قرآن کریم (سوره مبارکه لقمان)

دکتر علی رضا آزاد

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

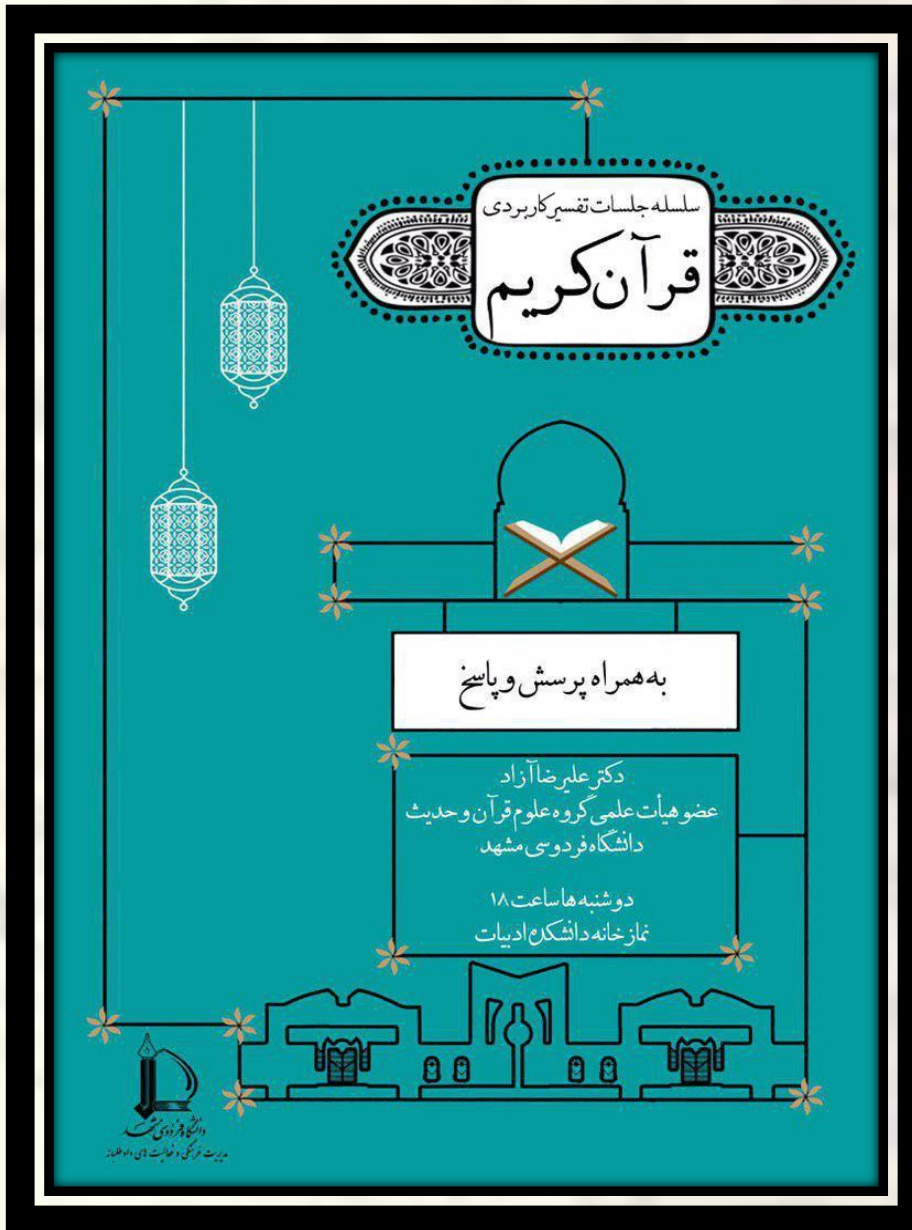
دوشنبه ها ساعت ۱۸

نمازخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

جلسه دهم (تفسیر آیه ۷)

۷ بهمن ۱۳۹۸

مدیریت فرهنگی و فعالیتهای داوطلبانه دانشگاه فردوسی مشهد



جلسه دهم:

وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٧﴾

و چون آیات ما بر او خوانده شود با نخوت روی برمی گرداند چنانکه گویی آن را نشنیده [یا] گویی در گوشهایش سنگینی است پس او را از عذابی پر درد خبر ده (۷)

تفسیر إِذَا تُلَىٰ:

- إِذَا ادات شرط و ظرف زمان آینده است. به عبارت دیگر، آنچه بعد از آن آمده شاید واقع شده باشد و شاید این آیات در مقام پیش بینی وقوع آن و واکنش مخالفان در مقابل آیات هدایت بخش قرآن است.
- تُلَىٰ به صیغه مجهول آمده است یعنی مهم نیست چه کسی آیات الهی را بر ایشان بخواند. هر که بخواند آنها مخالفت خواهند کرد.
- تلاوت با قرائت فرق دارد. تلاوت یعنی خوش خوانی همراه با تدبر در معنا و مفاهیم و عرضه آن در هنگام خواندن.

✓ این آیه حال مخالفان را بیان می کند و می گوید که آنها پتانسیل چنین رفتارهایی را دارند. یعنی حتی اگر موقعیتی پیش نیاید و دست به چنین عملی نزنند، چون پتانسیل این گونه رفتارها را دارند، سرزنش می شوند. به تعبیری، برخی از ما فرعونیم ولی مصرهایمان کوچکتر است. اگر فرعونیت مان را از بین ببریم، در روزی که «و إذا النفوس زوجت» است، با فرعونیان در جهنم همنشین و مستحق عذاب الیم خواهیم بود. داستان مثنوی معنوی: اژدها و مارگیر

مارگیری رفت سوی کوهسار / تا بگیرد او به افسونهایش مار
او همی جُستی یکی ماری شِگرف / گردِ کوهستان، در ایّام برف
اژدهایی مُرده دید آنجا عظیم / که دلش از شکلِ او شد پُر ز بیم
مارگیر اندر زمستان شدید / مار می جُست ، اژدهایی مُرده دید
مارگیر ، آن اژدها را برگرفت / سوی بغداد آمد از بهر شگفت
اژدهایی چون ستون خانه یی / می کشیدش از پی دانگانه یی
او همی مُرده گمان بُردش ، ولیک / زنده بود و ، او ندیدش نیک نیک
او ز سرماها و ، برف افسرده بود / زنده بود و ، شکلِ مُرده می نمود
بر لب شَط ، مرد ، هنگامه نهاد / غلغله در شهر بغداد اوفتاد
مارگیری اژدها آورده است / بوالعجب نادر شکاری کرده است

و اژدها کز زمهریر افسرده بود / زیر صد گونه پلاس و ، پرده بود
در درنگِ انتظار و ، اتفاق / تافت بر آن مار خورشیدِ عراق
مُرده بود و زنده گشت او از شگفت / اژدها بر خویش جُنیدن گرفت
خلق را از جُنش آن مُرده مار / گشتشان آن یک تحیر ، صد هزار
با تحیر نعره ها انگيختند / جملگان از جنبشش بگریختند
بندها بگسست و ، بیرون شد ز زیر / اژدهایی زشت ، غُرّان همچو شیر
مارگیر از ترس برجا خشک گشت / که چه آوردم من از گُھسار و دشت
گرگ را بیدار کرد آن کورمیش / رفت نادان سوی عزرائیلِ خویش
نفست اژدرهاست ، او کی مُرده است ؟ / از غم بی آلتی افسرده است
مات گُن او را و ، ایمن شو ز مات / رحم کم گُن ، نیست او ز اهلِ صِلات

✓ برخی مخالفت ها با اسلام بود و برخی مخالفت ها با پیامبر اسلام و جمع فقیر مسلمانان. برخی مخالفت با سخن حق دارند، از هر حنجره ای شنیده شود.

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

تفسیر وُلّی مُسْتَكْبِرًا:

- جواب شرط است. برخی روی بر می گردانند یعنی اصلاً به سخن حق گوش نمی دهند.
- روی گرداندن شان از روی تکبر و خود بزرگ بینی است. قرآن را کوچک تر از آن می دانند که پای صحبت آیات حکیمانه اش بنشینند.

کار بست ها:

- ✓ معارضه با کلام خدا و سخن حق انواعی دارد. هر نوع هم دلایلی دارد. برخی به این شرح است:
عدم قبول همکلامی خدا و انسان: قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً
عدم پذیرش تمایز الهی برخی انسان ها: لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ
غرور علمی: فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ
ستم و خود برتر بینی: جَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا
غرور اجتماعی: قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ
- ✓ برخی معارضه ها ریشه روان شناختی، برخی جامعه شناختی، برخی شناختی یا معرفتی و... دارد. تکبر هم می تواند تکبر فردی، تکبر اجتماعی، تکبر علمی، تکبر معرفتی و... باشد.
- ✓ خطری که برخی دینداران را تهدید می کند، تکبر دینی است.

معناشناسی تکبر و مستکبر:

از جمله معانی باب استفعال، مبالغه تفعّل است. مستکبر دارای کبری شدیدتر از متکبر است.

کار بست ها:

✓ واژه استکبار در متون گذشته در ساحت فردی و یا اجتماعی محدود فهم و تفسیر می شد اما در قرن معاصر و به ویژه پس از جنبش اخوان المسلمین مصر و کارهای سید قطب و سپس انقلاب اسلامی ایران، این واژگان و صفات در ساحت بین المللی و ناظر به مکاتب سیاسی و ایدئولوژی های کلان تقریر و تفسیر شد.

✓ گاهی افراد دیگران را به سوی تکبر و غرور سوق می دهند. مثلاً در مقدمه برخی از کتب علمی و ادبی تعاریف پرطمطراقی از سلاطین و حاکمان شده است. به حدی که گویی نهاد دینی در دست چنین افرادی بجای نقد و اصلاح حاکمیت، مجیزگوی صاحبان قدرت می شود و مسیر ظلم و تکبر را برای حاکمان هموار می کند. ولی در نامه مرحوم مقدس اردبیلی به شاه عباس اول، معکوس این روند را می بینیم. ماجرا از این قرار است:

زمانی یکی از کارگزاران دربار صفوی مورد غضب شاه عباس قرار گرفت و به مقدس اردبیلی پناه

برد و او نامه ای به وی داد تا شاه از تقصیر او بگذرد. در نامه مقدس اردبیلی به شاه عباس چنین آمده:

«بانی ملک عاریت ، عباس! بدان که چه این مرد اول ظالم بود اکنون مظلوم می نماید چنانچه از تقصیر او بگذری شاید که حق - سبحانه و تعالی - از پاره ای از تقصیرات تو بگذرد. بنده شاه ولایت: احمد اردبیلی»

این از نامه های شگفتی است که در آن هیچ توصیف و تعریفی از شاه نشده و مقدس اردبیلی در آن خود را از پیروان و غلامان امام علی ع معرفی کرده است و نه از چاکران و غلامان شاه. شاه عباس بدون تاخیر فرمان مقدس اردبیلی را اجرا کرد و پاسخی بدین گونه نوشت:

«به عرض می رساند عباس خدماتی که فرموده بودید به جان منت داشته ، به تقدیم رسانید که این محب را از دعای خیر فراموش نکنید. کتبه کلب آستانه علی : عباس»

تفسیر کَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا:

- گویا به آیات الهی گوش نمی دهند.
- سمع در این آیه و اُذُن در آیه بعد، به دو بُعد اشاره دارد. شنیدن و گوش دادن (اندیشیدن). این آیه به ابعاد ادراکی و آیه بعد به پیش از این مرحله اشاره می کند.

تفسیر کَانَ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرَأَ:

- وقر هم‌ریشه با وقار است. بار سنگین چارپایان را وقر می گویند.
- وقر در اینجا کنایه از کر بودن و نشنیدن است. مشابه آن در آیه ۱۹ بقره: «يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ»

کار بست ها:

- ✓ در این آیات سه مرحله از معارضه با حق بیان شده که ریشه هر سه، تکبر و خود بزرگ بینی است:
روی گرداندن - نیندیشیدن - نشنیدن
- ✓ از همین روست که شیخ طوسی در تفسیر «ولی مستکبرا» می نویسد: «أَيُّ أَعْرَضَ عَنْهَا تَكْبَرًا عَنْ اسْتِمَاعِهَا وَ الْفِكْرِ فِيهَا»
- ✓ این رویه در تمام طول تاریخ در برابر هر سخن حقی وجود داشت. همه باید مراقب باشیم که دچار این سیر قهقرایی نشویم.

تفسیر فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ:

- آوردن واژه بشارت که معنای مثبتی دارد در کنار عذاب، به گفته مفسران جنبه تهکم و استهزاء دارد. علاوه بر این به نظر می رسد که می تواند نوعی از ادب در برابر مخالف را هم برساند.

کار بست ها:

- ✓ درباره انواع عذاب ها در جلسه گذشته توضیحاتی تقدیم شد. عذاب هر گناهی با ماهیت آن گناه و نتایج آن تناسب دارد. تکبر برای متکبر لذت بخش است و لذا در مقابل آن خداوند عذاب رنج آور را نصیب فرد متکبر می کند.
- ✓ از آیه ۳-۹ اگر دقت شود، درباره انسان های خوب و بد سخن گفته شده است. اما وقتی درباره انسان های نیکوکار سخن می گوید همه جا به صیغه جمع و وقتی درباره انسان های بدکار سخن می گوید، جز یک جا همواره به صیغه مفرد سخن می گوید. گویی خوبی ها اتحاد و وفاق به بار می آورد و بدی افتراق و جدایی می آفریند.
- ✓ اشتغال به لهو الحدیث و امور بیهوده و استهزای حق و حق طلبان، هم علت و هم معلول تکبر و نتیجه آن عذاب ها و دردهای جسمی و روحی است.